

تاریخ‌نگاری تحلیلی تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پسایامبر (مورد پژوهی؛ زن در عصر امویان)

علی شفیعی^۱
منصور امیرزاده جیرکلی^۲
علی رضا کاظمی گلوردی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

چکیده

تاریخ و تاریخ‌نگاری مسائل یک دانش می‌تواند هم به تصویر درست خاستگاه شکل‌گیری مسائل یک علم کمک کند و هم می‌تواند در موضوع شناسی مسئله‌های یک علم به کمک عالمان بیاید و به آنان کمک کند تا به نقش زمان و زمینه در چرایی طرح هر مسئله و مواجهه عالمان آن علم با این مسائل، تسلط و وقوف کاملی پیدا کنند. حقوق زنان به عنوان یکی از محورهای پژوهشی در دانش فقه در طول تاریخ دینداری و زیست مؤمنانه مسلمانان دچار فراز و فرودهای فراوانی شده است که در این مقاله تلاش شده تا در یک بازه زمانی ویژه به این مقوله پرداخته شود و ضمن نگاه تاریخ‌محورانه به تحلیل چرایی این فرود تاریخی حقوق زنان در جامعه اسلامی پرداخته شود. در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از روش تحقیق تحلیلی و اسنادی، با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، ضمن تبیین اجمالی شخصیت و جایگاه زنان در عصر نبوی و ظرفیت‌های ایجاد شده توسط دستگاه معرفتی اسلام برای فعلیت یافتن توانمندی ایشان، به این سوال اصلی یعنی «تغییر نگاه به شخصیت و حقوق زنان پسایامبر، کی و چگونه اتفاق افتاد؟» پاسخ داده شود.

پاسخ اجمالی که با مبنا قراردادن گزارش‌های تاریخی و به روش تاریخ‌نگاری تحلیلی پیگیری شده، به پرسش اصلی مقاله حاضر، این است که؛ به نظر می‌رسد اولین گام‌های بنیادین برای این انحراف در خلافت امویان برداشته شده است که به عنوان نمونه به: بازگشت گفتمان جنسی به رابطه زن و مرد، بازگشت به نگاه شیء‌گونه به زن، ترویج مفاسد اخلاقی به هدف جلوگیری از ظرفیت‌های اخلاقی و انسانی زنان، و... می‌توان اشاره کرد.

کلیدواژه: تاریخ‌نگاری تحلیلی، شخصیت زن؛ عصر نبوی، عصر اموی، گفتمان انسانی و جنسی.

۱ - دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران (a.shafiei@isca.ac.ir)
۲ - استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت‌حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت‌حیدریه، ایران (نویسنده مسؤل) (amirzadehj@yahoo.com)
۳ - استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (mr_kazemigolvardi@yahoo.com)
مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی با عنوان: «بررسی انتقادی رویکردها به حقوق زنان در فقه امامیه (مبانی، ادله، روش‌ها و چالش‌ها)».

مقدمه

انسان آن گاه که شرافت مخاطب بودن خداوند را پیدا می‌کند، جنسیتش در سایه روح الهی‌اش (به حاشیه و سایه می‌رود و لذا در ابتدا با «یا ایها الناس»^۱ دعوت به گفتگو می‌شود و در انتها نیز باز با «یا ایتهای النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه»^۲ مورد خطاب قرار می‌گیرد و دعوت به بازگشت به اصل خویش می‌گردد، که هیچ نشانی از جنسیت و تقدم و تاخر یک جنس بر جنسی دیگر نیست. اما انسان با همه ظرفیت فراوانی که برای درست فهمیدن و اخلاقی زیستن دارد، همیشه در پارادوکس دائمی تأثیرپذیری فهم وی از پیش‌دانسته‌ها، جنسیت، محیط‌زیست، آداب و سنت‌های پیرامونی‌اش از یک سو و نفس و هواهای نفسانی مؤثر در فهم از سوی دیگر زیست می‌کند و چه فراوان انسان‌هایی و جوامعی که با این همه گواهان متنی، مقهور و مغلوب این دو ساحت تأثیرگذار در فهم شده و ره‌آوردشان اسباب رنج پاره‌ای انسان‌ها شده است.

جنسیت همان گونه که به‌درستی برخی صاحب‌نظران گفته‌اند «یکی از اضلاع مثلث شوم» (جارویس، ۱۳۹۷: ۲۶) بوده که همیشه تاریخ نگاه اخلاقی انسان به یکدیگر را تضعیف کرده و اسباب ظلم و اجحاف را در برهه‌های طولانی تاریخ بر زنان که جنسی فرودست دیده می‌شدند فراهم ساخته است. برخی صاحب‌نظران به‌درستی معتقدند تمدن اساساً دو جنسی بوده (مورن، ۱۳۸۴: ۱۰۴) و به همین جهت تلاش برای حذف یا نادیده انگاشتن یک جنس نه‌تنها امری ناشدنی بوده بلکه به تمدن بشری زیان زده است. انسان - فارغ از جنسیت - ترکیبی از آن چه هست و کمبودهایی که دارد هست. (همان، ۱۵) و از این جهت اصالت و برتری زن یا مرد معنی ندارد. این رفتار و نگاه نابرابری‌جویانه هزارچندی گاه توسط پیامبران و دیگر گاه توسط تحولات اجتماعی با چالش مواجه می‌شده و مورد پرسش قرار می‌گرفته است. با ظهور اسلام و آخرین پیامبر این معادله نابرابر بار دیگر مورد پرسش قرار گرفت و آموزه‌های نبوی جامعه را دعوت به دیدن زنان، ظرفیت‌ها و نیازهای ایشان کرد.

این مقاله می‌خواهد تاریخ‌نگاری چرخش و دگردیسی نگاه به شخصیت و حقوق زنان پس از پیامبر را مورد بحث و بررسی قرار دهد چراکه پیش‌فرض این مقاله این است که شخصیت و حقوق زنان پس از بعثت پیامبر اسلام تحولی قابل‌توجه پیدا می‌کند و زنان به آزادی‌های انسانی و حضور در عرصه‌های اجتماعی دعوت می‌شوند که ثمرات آن هم در تربیت شدن صدها زن فاضل و محدث و

۱. فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقُولُوا لَهُ سَاجِدِينَ. سوره «ص»، آیه ۷۲. بنابر قرائت مشهور نفخ روح به معنای این است که خداوند از روح خودش در انسان دمیده است، قرائتی نیز این است که مراد از نفخت یعنی روح را من در بدن انسان می‌دمم.

۲. یا ایها الناس! إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. سوره «حجرات»، آیه ۱۳.

۳. سوره فجر، آیات/۲۷/۲۸.

معلم نمایان می‌شود (عبدالحکیم، ۱۴۲۰، بنت الحسین، ۱۴۲۰، جمعه، ۱۴۲۱، حسان، ۱۴۲۳، العطای، ۱۴۱۲، ماکاری، ۲۱۰۶ و . . .) ولی این وضعیت دیرپای نیست و دچار خمودی می‌شود و زنان گام‌به‌گام به عقب رانده می‌شوند.

پرشش این مقاله این است: «شواهد تاریخی آغاز این دگردیسی چیست و آغاز بازگشت به گذشته را چه عصر و برهه‌ای می‌توان دانست؟» برای پاسخ به این پرسش تلاش شده تا با رویکرد استقرائی، تجمیع قرائن و شواهد تاریخی به روش تاریخ‌نگاری تحلیلی این امر تاریخی^۱ یعنی «دگردیسی در شخصیت و حقوق زنان پس از پیامبر» مورد بررسی قرار گیرد و نشان داده شود که این سیر انحطاطی از کجا آغاز شده است و نموده‌ها و عینیت‌های آن کدام است.

در این مقاله تلاش خواهد شد ابتدا تبیینی اجمالی از جایگاه، شخصیت و حقوق زنان در عصر نبوی - پیشا‌بعثت، حین‌بعثت و پس‌بعثت - ارائه گردد و سپس به نوع نگاه زن در عصر امویان پرداخته و گام‌هایی که در دوران حاکمیت امویان برای بازگرداندن زنان به دوران جاهلی برداشته شده مورد اشاره و تحلیل قرار گیرند.

گفتار اول: تاریخ‌نگاری تحلیلی و چند یادآوری

تاریخ‌نگاری، به‌عنوان اصطلاحی خاص، به معنی وصف و ثبت وجوه گوناگون حیات و احوال انسان در عرصه سیاست و اجتماع است. (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۱) بنا به تعریفی دیگر، تاریخ تاریخ و نمود تاریخ و نشانه‌شناسی است که چگونگی به‌دست‌آمدن یا انتقال دانش گذشته را در نظر می‌گیرد. در این روش مورخ در کنار نقل وقایع و روایات غالباً ترکیبی، به تحلیل، تبیین و بررسی علل و نتایج آن می‌پردازد.

برخی مدعی‌اند تاریخ‌نگاری جدید تقریباً نقطه مقابل تمام آن چیزی است که تا به حال به‌عنوان تاریخ‌نگاری سنتی شمرده می‌شده که در این باره نخستین مقوله متمایزکننده این دو نگاه تاریخ‌نگاری بحث روش است. اگر تاریخ‌نگاران سنتی به‌صورت توصیفی می‌نوشتند، تاریخ‌نگاران جدید به‌صورت علی، تبیینی و تحلیلی می‌نویسند به همین جهت در موضوعاتی همانند آن چه در این مقاله مورد گفتگو است از تاریخ‌نگاری سنتی نمی‌توان به‌راحتی بهره گرفت. (احمد؛ ۱۳۹۴: ۹۳) در این نوشته «تاریخ» نگارش نمی‌شود بلکه با مراجعه به «تاریخ نگارش شده» یک امر تاریخی و یک واقعیت

^۱ امر تاریخی، یعنی یک واقعه یا رویداد تاریخی که مورخ درصدد کشف و فهم آن است. (نوری، ۱۳۹۶، ۱۲۱).

عینی - یعنی تحول و تطور نگاه به شخصیت زن و حقوق وی در دو دوره بعثت و پسابعثت - مورد بررسی و گفتگو قرار می‌گیرد.

یادآوری‌ها

یادآوری چند نکته برای روشن‌تر شدن جغرافیای مقاله ضروری است که به آن‌ها به اجمال اشاره می‌شود:

۱. مراد از عصر نبوی

در این نوشته آغاز بعثت تا استقرار خلافت امویان است چراکه: الف) به صورت طبیعی بسیاری از تلاش‌های پیامبر برای عینیت‌یافتگی نیازمند بازه زمانی معقول و منطقی بودند تا نهادینه شوند، ب) اصلاحات اجتماعی و فرهنگی علاوه بر تدریجی و کند بودن ثمرات کامل و فراوانشان در نسل‌های بعدی نمایان می‌شوند، به همین جهت عصر نبوی را نمی‌توان فقط به مرگ و زندگی آن عزیز تعریف کرد.

۲. مراد از عصر امویان

در این مقاله مراد از عصر امویان نیز خلافتی است که با معاویه (۴۱ هجری) شروع و با مروان دوم (۱۳۲ هجری) به پایان می‌رسد که در پاره‌ای منابع تاریخی به سلسله اول امویان نیز نام‌گذاری شده است. البته همان ملاحظه پیشین در مورد آثار و نشانه‌های رفتارها و سیاست‌های امویان نیز قابل طرح است ولی باتوجه به این که این سلسله نزدیک به یک قرن حکومت کرده می‌توان در مورد آن به داوری نشست.

۳. رفتارشناسی امامان شیعی در این دوره تاریخی

در این مقاله البته گفتگو از نقش شناسی امامان شیعه در مساله مورد گفتگو موردنظر نیست، ولی به اجمال می‌توان گفت شیعیان معتقدند در طول تاریخ اسلام - هرچند به‌عنوان یک حرکت در حاشیه - امامان شیعی تلاش کرده‌اند تا خط فکری پیامبر را در موضوعات و مسائل مختلف حفظ کرده و آن را همیشه زنده نگه دارند.

گفتار دوم: زن در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به گواهی تاریخ وحی در چهل‌سالگی مفتخر به ارتباط با آسمان می‌شوند و صدایی فراتر از و به «کلی دیگر» را می‌شنوند و لذا چهل سال عمر ایشان که پیشابعثت

است در دوران جاهلیت عرب می‌گذرد به همین جهت شخصیت و حقوق زنان در پیشابعت که دوران رشد پیامبر و آماده‌شدن برای دریافت وحی است نیز به اجمال مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

الف) زن پیشابعت

پیامبر در عصری متولد شد که زن در آن جامعه همانند دیگر جوامع پیرامونی‌اش در میانه شخص و شیء بودن در نوسان بود. (حجازی، ۱۳۸۵: ۲۲۹ و ۲۳۴؛ نصیف، ۱۴۳۱: ۴۸؛ احمد، ۱۳۹۴: ۳۶؛ بارتلمه، ۱۳۴۴: ۵۳.) به‌گونه‌ای که پاره‌ای از نویسندگان در اشاره به وضع زنان در جامعه عرب آن عصر که تداعی‌کننده نگاه جنسیت محور و شیء‌واره به ایشان است، می‌نویسند: مردان برای خویش این حق را جایز می‌دانستند که ده‌ها زن را به عقد خویش در آورند؛ زن را بخشی از میراث مردان بخوانند؛ زندانی شوند تا از حقوق خویش بگذرند و... بسیاری از امور غیراخلاقی و غیرانسانی دیگر. (ابوبکر، ۲۰۱۲: ۱۹۰)

برخی نیز در تبیین بیشتر وضعیت زنان در جامعه پیشابعت می‌نویسد: جامعه عربی پیشابعت از آنجاکه جامعه‌ای مبتنی بر برتری جویی جسمی و جنگ‌طلبی بود لذا قدرت بدنی را معیار برتری انسان‌ها و همچنین قبایل می‌دانست این وضعیت مردان را در جایگاه ویژه‌ای قرار داده و زنان که از نظر جسمی توانمندی برابری با مردان را نداشتند به حاشیه برده و فرادست (مرد) و فرودست (زن) درست کرده بودند (احمد خاکی، ۶۳؛ نصیف، ۱۴۳۱: ۴۷)

اگرچه زن به تعبیر برخی نویسندگان بر جسمش سلطه داشت و خود را می‌توانست در اختیار مردانی به دل خواه قرار دهد (احمد، ۱۳۹۴: ۶۰؛ العلوی، ۱۹۹۶: ۱۶) اما روشن است این‌گونه آزادی اگر انتخاب‌گرایانه نباشد و از سر جبر اقتصادی یا روحی و روانی یا هر عامل محرک دیگری باشد به‌عنوان یک ارزش قابل اشاره نیست؛ چراکه در همین حالی که به اعتقاد این نویسندگان زن بر جسم خویش سلطه داشت هم‌زمان در پیرامونش زن مالی از اموال بود که به ارث برده می‌شد و گاه رقیبان جنسی‌اش در خانه ده‌ها زن دیگری بودند که برای ماندگاری خویش باید تن به یک رقابت جنسی می‌دادند.

زن در جامعه پیشابعت «شورآفرین عاطفه مردان بود، مدار احساسات وی محاسبه می‌شد، سر حیات و ملمات عرب‌ها بود، عصبانیت او را تحریک می‌کرد، معقد الفت و انس ایشان قلمداد می‌شد، تجلی و تبلور ذوق و قریحه و مطلع قصائد ایشان، موطن غنا و مذهب غناء ایشان و... همه چیز بین دستان عرب بود» (عقیقی، ۱۹۳۳: ۱/ ۱۹)

قرآن نیز در پسابعت آن گاه که می‌خواهد به تصویر جنس زن در میان بخشی از اعراب بپردازد می‌گوید: وقتی به ایشان خبر داده می‌شد که صاحب فرزندی دختر شده است چهره‌هایشان تاریک می‌شد و در هم فرومی‌رفت.^۱

تمام آن چه گفته شد به معنای نفی وجود زنانی ویژه در عصر جاهلی که با استفاده از ظرفیت‌های فردی و توانمندی خانواده و طبقه اجتماعی‌شان تلاش کرده بودند تا در جامعه دیده شوند و در عرصه‌های عمومی و اجتماعی به ایفای نقش بپردازند نیست. به‌عنوان نمونه می‌توان از خدیجه سلام‌الله‌علیها یاد کرد که در جامعه جاهلی که اصل را بر عدم توجه به ظرفیت زنان نهاده بود و برخلاف برخی زنان دیگر که راه‌هایی غیراخلاقی را برای دیده‌شدن گزینش کرده بودند با انتخاب حضور در ساحت تجارت و اقتصاد به زنی تبدیل شده بود که نه تنها توانمندی‌اش را به رخ نگاه مردانه پیرامونی‌اش می‌کشید بلکه به تعبیر برخی نویسندگان پس از اسلام آوردنش سرمایه‌اش عاملی مهم در توسعه و گسترش اسلام گردید. (احمد، ۱۳۹۴: ۶۰)

گزینش خدیجه به‌عنوان اولین همسر از طرف پیامبر پیام مهمی به همراه داشت که سوگمندان در گفتمان دینی جدی گرفته نشد. پیامبر می‌توانست اولین همسرش را زنی پرده‌نشین و در حجاب اجتماعی انتخاب کند اما پیشنهاد خدیجه را می‌پذیرد و وی را که زنی اجتماعی و کنشگر و فعال بود به‌عنوان اولین و تنهاترین همسر - تا زنده‌بودن خدیجه - انتخاب می‌کند تا نشان دهد حضور زن در ساحت عمومی و اجتماعی یک ارزش است.

ب) زن پسابعت

پیامبران را به‌درستی مصلحانی دانسته‌اند که به تعبیر قرآن کاستن از رنج انسان‌ها مهم‌ترین دغدغه و چالش پیشاروی ایشان بوده است. بعثت آخرین پیامبر همانند پیشینیانش ره‌آوردهای فراوان و مهمی همچون امنیت سیاسی - آمنهم من خوف- و رفاه حداقلی - اطعمهم من جوع- برای جامعه پیرامونی‌اش داشت که یکی از آن ره‌آوردها بازسازی شخصیت و حقوق زنان بود. یکی از نویسندگان عرب در اشاره به اهتمام اسلام به زنان می‌نویسد: اسلام حقوقی را برای زنان به رسمیت شناخت که پیشینه‌ای نداشت، حقوق سلب شده‌ی وی از جمله حق حیات را اسلام به وی بازگرداند، برای وی استقلال مالی و اقتصادی را به رسمیت شناخت، ازدواج را مشروط به شروطی کرد- به نفع زنان،

۱. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، نحل، ۱۶.

طلاق را و تعدد زوجات و... را مقید به شروطی کرد، برای هر یک از زوجین حقوقی ترسیم کرد، حق تحصیل را به او داد، حضورش را در جهاد رسمیت بخشید، رای زنان را حرمت نهاد و... (نصیف، ۱۴۳۱: ۷۱ به بعد؛ سلیم، ۲۰۰۸: ۷-۸)

در منابع روایی مسلمانان روایات فراوانی وجود دارند که در آن‌ها: الف) پیامبر مردان را تحریک می‌کردند تا آنچه می‌آموزند را به زنان نیز آموزش دهند، ب) زنان برای شنیدن سخنان پیامبر درخواست جلسات آموزشی می‌کردند، ج) پیامبر زنان را ترغیب به حضور در مناسک و آیین‌های دینی همانند نمازهای جمعه، جماعت و اعیاد می‌کردند (بخاری، ۸۴/۱؛ احمد، ۸۴/۵؛ عینی، ۱۴۲۱: ۳/۳۷۴؛ دارمی، ۳۳۷/۱) تا به شنیدن وحی و تبیین آن و روایات نبوی مبادرت کنند. (ابوشقه، ۱۴۲۲: ۲/۳۴؛ جمعه، ۱۴۲۶: ۲۵؛ العلوانی، ۲۰۰۶).

همان گونه که گفته شد در دوران جاهلیت نیز زنان از همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی محروم نبودند (عفیفی، ۱۹۳۲: ۱/۲۰، احمد، ۱۳۹۴: ۶۰) ولی آن چه اسلام و پیامبر آن به دنبالش بودند اولاً: توسعه کمی و کیفی حضور زنان، ثانیاً: هدفمند کردن این حضور و نهادینه کردن آن بود، چراکه حضور زنانی همانند خدیجه (سلام‌الله‌علیها) در جامعه پیرامونی محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اولاً: معلول توانمندی‌های شخصی و جسارت خودشان بود و نه محصول ظرفیت‌های جامعه پیرامونی‌شان، ثانیاً: چنان در اقلیت بود که نمی‌توانستند در ساحت‌های دیگر اجتماعی و در یک هم‌گرایی نقش مناسبی را ایفا کنند.

جامعه پسایمبر تلاش کرد ظرفیت مناسب برای نوع زنان ایجاد بکند تا نه تنها زنانی که ظرفیت شخصی و جسارت فردی برای تحمیل خود بر جامعه مردانه را دارند بتوانند در ساحت عمومی حضور پیدا کنند، بلکه نوع زنان بتوانند در جامعه حضوری همسان مردان داشته باشند.

تاریخ عصر بعثت موارد متعددی گزارش کرده است که زنان هم در ساحت‌های علمی و هم در ساحت‌های اجتماعی و فرهنگی و... حضور جدی در جامعه داشته‌اند به گونه‌ای که برخی از نویسندگان با پژوهش در باره زنان عصر نبوی - بدون اشاره به زنان و دختران پیامبر - از بسیاری زنان فاضل و فعال و کنشگر در عرصه‌های عمومی و اجتماعی نام برده و احوالات ایشان را به گفتگو گذاشته‌اند (جمعه، ۱۴۲۱، حسّان، ۱۴۳۴) و پاره‌ای دیگر با اشاره به دختران صحابه حضور آن‌ها را در جامعه نبوی به تصویر کشیده‌اند. (عبدالحکیم، ۱۴۲۰)

پیامبر به تعبیر پاره‌ای از نویسندگان در جامعه‌ای سخن از شخصیت و حقوق زنان می‌گفت که در آن جامعه زن هویتی نداشت، چندهمسری امری رایج، زن محروم از بسیاری از حقوق انسانی‌اش بود و پدران عادی مقدس داشتند که خود را مالک فرزندان دانسته و کودکان در گهواره را به عقد دیگران درمی‌آوردند. (اجاییف، ۲۰۱۲: ۱۸-۱۹) پرداختن به همه ره‌آوردهای عصر نبوی در مورد زنان نه تنها در این مجال نمی‌گنجد بلکه باتوجه به پژوهش‌های انجام شده نیازی به تکرار آن‌ها نیست (ابوشقه، ۱۴۲۲، جوادى آملی، ۱۳۷۸، مهریزی، ۱۳۹۳، فرج، ۲۰۱۵) ولی به اجمال مهم‌ترین محورهای اصلاح‌گرایانه پیامبر در مورد زنان، مورد گفتگو قرار خواهد گرفت.

حقوق زنان در پروژه اصلاحات نبوی

پیامبر اسلام به‌عنوان یک مصلح دینی و اجتماعی ساحت‌های مختلفی از زیست انسانی را بازسازی کرد و بسیاری از آداب و قواعد غیرانسانی و غیراخلاقی حاکم بر جامعه عربی پیرامونی‌اش را به چالش فراخواند و در یک پروسه تدریجی و درازدامن به الغاء آن همت کرد که یکی از مهم‌ترین این ساحت‌ها قواعد و آداب جاری بر روابط زن و مرد و شخصیت و حقوق زنان بود.

۱) یکسان‌انگاری زن و مرد در انسانیت

اولین اصلاح‌گری و تصحیحی که اسلام در آموزه‌های رایج پیش از خود انجام داد تلاش برای القاء رویکرد انسانی به زن (مهریزی، ۱۳۹۳: ۳۱۶) از مسیر یکسان‌انگاری زن و مرد در انسانیت بود، چراکه هم در جامعه پیرامونی پیامبر و هم دیگر جوامع آن عصر بودند کسانی که گمان می‌کردند زن و مرد در انسانیت با یکدیگر تفاوت دارند و یکی جنس برتر و سهم کامل‌تری از انسانیت را داراست. قرآن در چالش با این اندیشه در آیاتی چند به‌صراحت می‌گوید: *يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...* شما-زن و مرد- را از نفسی واحد خلق کردیم (نساء/ ۱، اعراف/ ۱۸۹).

پیامبر اسلام با این آیات گام‌های اصلاحی بلندی برای بازسازی شخصیت و احیاء حقوق زنان برداشت به‌گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران با اشاره به این آیه و آیاتی همچون (انفطار ۷-۶، تین ۴، نحل ۷۸) قرآن را انسان‌محور دانسته و معتقدند: پس تمامی انسان‌ها، چه زن و چه مرد، از تسویه و تعدیل در خلقت، احسن تقویم، سمع و بصر و افتده برخوردارند. (مهریزی، ۱۳۹۳: ۳۱۷)

نگاه غیراخلاقی به زنان تنها در مکه رایج نبود بلکه همان‌گونه که پاره‌ای از صاحب‌نظران به‌درستی گفته‌اند مدینه نیز همانند مکه نگاهی جنسیت زده به زنان داشته و پیامبر تلاش فراوانی کرد

تا بتواند این نوع نگاه را اصلاح کند. (انصاری، ۲۰۰۱: ۲۴۷) پیامبر و خلفای بلافضل ایشان تا پیش از امویان در ادامه تلاش پیامبر کوشش بسیار کردند تا این نگاه را اصلاح کنند و حضور زنان در جامعه و اختلاط زنان و مردان را فارغ از جنسیت رسمیت بخشند. (حسن، ۱۴۱۶: ۴۴۴)

۲) تساوی زن و مرد در تکلیف و پاداش

دومین نکته اصلاحی اسلام در مواجهه با جامعه پیرامونی پیامبر این بود که اعلام کرد زن و مرد در تکالیف و پاداش‌ها و به تعبیر برخی صاحب‌نظران «سیروسلوک معنوی» (مهریزی، ۱۳۹۳: ۳۱۸) یک‌سان‌اند. هر کس عملی صالح انجام دهد - بدون تأثیر جنسیت در آن - پاداش مناسب می‌گیرد (نحل / ۹۷) و هر کس عمل ناپهنجاری انجام دهد - بدون توجه به جنسیت اش - عقاب خواهد دید. (غافر / ۴۰)

خداوند در جایی دیگر با تأکید از این نکته سخن می‌گوید که: «... أُنَىٰ لَّا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...» خداوند رفتار و اعمال هیچ انسانی را - چه مرد باشد و چه زن - تضییع نمی‌کند. (آل عمران / ۱۹۵) تأکید بر این نکته که زن و مرد به‌صورت یکسان مخاطب خداوندند و اشتراک در تکلیف و پاداش دارند گام بلندی برای اصلاح خودبتریبینی جامعه مردسالار عصر نبوی بود. این امر تا به آن جا موردتوجه پیامبر بود که ایشان با صراحت به مردان اعلام کردند که زنان را از حضور در نماز عشاء منع نکنند. (عینی، ۱۴۲۱: ۴۵۱/۲) این امر بعدها قاعده‌مند شد و در دستگاه فقهات اسلامی به شکل‌گیری قاعده اشتراک در احکام و تکالیف منجر شد.

۳) ابتناء هویت زن و مرد بر امور اختیاری

یکی دیگر از تلاش‌های مهم پیامبر در پسا بعثت نفی عناصر هویت‌ساز غیراختیاری به نفع عناصر هویت‌ساز اختیاری بود قرآن در آیاتی چند به‌جای سخن‌گفتن از برتری و فضیلت یک قوم و نژاد و جنس و... سخن از برتری و فضیلت مبتنی بر تقوا و مدیریت خویش‌گفته است. قرآن می‌گوید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) ما شما را مرد و زن قبیله و قبیله گروه و گروه آفریدیم تا بگوییم این اختلافات هویت‌ساز عاملی برای برتری شما نیستند بلکه آنچه شما را برتری می‌بخشد تقواست.

پیامبر همان گونه که از مردان بیعت گرفت زنان را نیز دعوت به بیعت کرد تا هویت اجتماعی آن‌ها را به رسمیت بشناسد و همان‌سان که در اموری مثل تشکیل نهاد خانواده از عنصر گزینشگری مردان سخن می‌گفت بر رضایت زنان در پذیرش پیشنهاد ازدواج تأکید داشت تا هویت فردی و آزادی

ایشان را رسمیت بخشد. (النبراوی، ۲۰۰۴، ۶۸، العلوانی، ۲۰۰۶، ۸۰) این همه برای آن بود که جامعه پیرامونی پیامبر از نگاه جنسی به انسان و ارزش و منزلت وی فاصله بگیرد، نگاهی که اگر در یک جامعه نهادینه شود به انحطاط و گسست اجتماعی منجر می‌شود.

۴) تلاش برای استقلال مالی و اقتصادی زنان (حق اشتغال)

یکی دیگر از راه‌آورد‌های بسیار مهم بعثت هموار شدن حرکت در راه استقلال مالی و اقتصادی زنان بود. (مه‌ریزی، ۱۳۹۳: ۳۲۶؛ العلوانی، ۲۰۰۶: ۵۸ و ۷۱؛ انصاری، ۲۰۰۱: ۳۳۶) نیاز مالی بردگی می‌آورد - چه بردگی رسمی و تحریف‌شده و چه بردگی غیررسمی و در سایه - به همین جهت قرآن تلاش کرده است از راه‌های مختلف ضمانت استقلال مالی و اقتصادی زنان را ایجاد کند.

قرآن در ادبیاتی عام سخن از سعی و تلاش همگانی می‌گوید (لیس للانسان الا ما سعی) و در آیاتی همچون: ... وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَ... (نساء/۳۲) در خصوص تلاش اقتصادی زنان سخن گفته و آن را به رسمیت می‌شناسد که علاوه بر آن مهر را برای زنان تعریف می‌کند ... وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً (نساء/۴) و هم آنان را مستحق نفقه می‌داند و مردان را بدان ملزم می‌کند. البته همان گونه که بسیاری از مفسران نیز گفته‌اند مهریه حکم تأسیسی اسلام نیست اما قرآن آن‌گاه که تشخیص داده این قانون می‌تواند به‌عنوان پشتوانه مالی به زنان کمک کند تا با استقلال یابی امکان بهره‌گیری از دیگر ظرفیت‌هایشان را پیدا کنند، آن را تأیید و بر آن تأکید کرد.

۵) دعوت به دانش‌افزایی و کسب معرفت (حق تحصیل)

یکی دیگر از کارهای مهمی که پیامبر در سایه آموزه‌های آسمانی برای زمینه‌سازی حضور زنان در جامعه پیرامونی‌اش ایجاد کرد، ظرفیت‌سازی برای کسب معرفت و دانش‌آموزی برای زنان بود. (العلوانی، ۲۰۰۶: ۵۵، العطاوی، ۱۴۱۲: ۱۲۶، بنت الحسین، ۱۴۲۰) قرآن آن‌گاه که سخن از دانش می‌گوید تعابیرش هیچ ظرفیتی برای برداشت‌های جنسیتی ندارد چراکه می‌گوید: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر، ۹) یا درجایی دیگر پس از اشاره به خلقت یکسان انسان می‌گوید: عِلْمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن/۴). برخی مفسران در تفسیر این آیه نوشته‌اند: عِلْمُ جِنْسِ الْإِنْسَانِ. (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۷/۲۳۳) و پاره‌ای دیگر نوشته‌اند: والمراد به جنس الإنسان الشامل لجميع اصنافه و افرادة (حقی، ۱۴۰۵: ۲۳۸/۹).

این رویکرد قرآنی و آموزه‌های نبوی همانند: کسب دانش، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است (کراچکی، ۱۰۷/۲) ظرفیت‌ساز شد تا در جامعه پسا بعثت زنان و مردان در کنار یکدیگر در ساحت

علم‌آموزی و کسب فضیلت‌های اخلاقی از یک‌سو و جهاد و مبارزه از سوی دیگر تلاش کنند. (النبرای، ۲۰۰۴: ۳۲) تاریخ وحی و زندگی پیامبر به‌خوبی نشان می‌دهد که آن حضرت گاه خود و گاه پاره‌ای از زنان خویش را مأمور می‌کرد تا در رشد معرفت و فهم دینی زنان به گفتگو بنشینند و پرسش‌ها و چالش‌های پیش‌آمده پس از بعثت را پاسخ دهند. قرآن پاره‌ای از این چالش‌ها را بازتاب داده همانند «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ . . .» (بقره/۲۲۲) و برخی دیگر هم در سنت و سیره نبوی قابل رصد کردند.

۶) جلوگیری از تبدیل زن به کالای جنسی

یکی دیگر از کارهای مهم که به بازسازی شخصیت زنان کمک کرد و زمینه را برای توسعه حقوق انسانی ایشان فراهم کرد آموزه‌های قرآنی و تلاش پیامبر در محدودکردن بهره‌گیری جنسی از زنان بود.

همان‌گونه که اشاره شد در جامعه پیش‌پيامبر محدودیتی در بهره‌گیری جنسی از زنان نبود و لذا گاه مردی زنان متعدد داشت و گاه زنی خود را در معرض بهره‌گیری جنسی انسان‌های متعدد قرار می‌داد. قرآن با اتخاذ تدابیر چند تلاش کرد تا این چالش جدی را درمان کند. ابتدا سخن از سامان یافتن روابط جنسی در قالب تشکیل نهاد خانواده گفت و خروج از آن را نهی کرد، سپس با محدودکردن بهره‌گیری جنسی برای مردان «. . . فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً . . .» (نساء/۳) به زنان این فرصت را داد تا به خود بیردازند و در جامعه بتوانند حضور پیدا کنند.

این فرهنگ‌سازی قرآنی را می‌توان با مراجعه به جوامع اسلامی دید که در این جوامع اصل بر تک‌همسری مردان است و غالب خانواده‌های اسلامی نیز در طول تاریخ چنین بوده‌اند به‌گونه‌ای که تعدد زوجات در پاره‌ای جوامع عملی نابهنجار قلمداد می‌شود. (الطار، ۲۰۱۱: ۳۴)

گفتار سوم: زن در عصر امویان

زنان را از دو چیز ایمنی نیست: مردان و بوی خوش، این تصویر وضعیت زن در دوران حکومت امویان از زبان هند دختر مله‌ب و همسر حجاج بن یوسف ثقفی است. (عبدالحمید، ۲۰۱۲)،

برخی عصر امویان را سرآغاز حاشیه‌نشینی و انحطاط شخصیت و حقوق انسان‌ها به‌ویژه زنان دانسته و معتقدند: در عصر اموی برنامه‌هایی اجرا شد برای تغییر آداب اجتماعی در راستای شکل‌گیری امپراتوری فتودالی که انحطاط حقوق زنان یکی از ره‌آوردهای آن بود. (انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۰؛ کیال،

البته روشن است در همان ابتدای شروع حکومت امویان این که به کلی به نفی جایگاه و شخصیت و حقوق زنان در جامعه پیرامونی پرداخته شود نه ممکن بود و نه مطلوب و لذا در برنامه‌ریزی درازمدت حکومت با تغییر دادن ارزش‌های اخلاقی جامعه و مفاهیمی همچون عفت و شرافت به صورت تدریجی زمینه را برای حضور زنان ناامن کرد و ایشان را وادار به سایه‌نشینی کرد. (انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۰)

امپراتوری اموی که ملغمه‌ای بود از عربیت و اسلامیت و تلاش فراوان کرد تا این دو را به هم درآمیزد (العش، ۱۴۰۶: ۳۴۶) در راستای کاستن از شخصیت و حقوق زنان و به پست‌فروستن ایشان دست به اقداماتی زد که در ادامه به مهم‌ترین این اقدامات اشاره خواهد شد.

واپس‌گرایی امویان در مسئله زنان

امویان با تحجرگرایی و تجمد بر پاره‌ای قومیت‌گرایی عربی در بسیاری از ساحت‌های زندگی تلاش فراوانی کردند تا جامعه را به عصر پیشابحث و دوران جاهلیت بازگرداند، تلاشی که چندان هم بی‌ثمر نبود.

امام حسین در همان ابتدای حاکمیت امویان که هنوز چند صباحی از خلافت آنان نگذشته می‌گویند: *إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَتَنَكَّرَتْ، وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُؤَابَةٌ كَصُؤَابَةِ الْإِنَاءِ، وَ خَسِيسٌ عَيْشٍ كَالْمَرَعِيِّ الْوَبِيلِ* برآستی که این دنیا دیگرگونه شده و چهره عوض کرده و خوبی هایش پشت کرده و رفته است و از آن جز ته مانده‌ای همچون ته مانده آبی در ظرفی و اندک عیشی همانند چراگاهی آفت زده باقی نمانده است.

و در فرازی دیگر می‌گویند: *أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ، أَيَا نَمِي بَيْنِيذ كَه بَه حَق عَمَل نَمِي شُود وَ اَز باطل نهی نمی شود؟* (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۲: ۲۴۵).

رفتارهای واپس‌گرایانه - همان گونه که در سخن امام حسین (علیه السلام) نیز آمده است - را امویان در حوزه ایجاد تحول و تغییر در نوع نگاه به شخصیت و حقوق زنان با شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی پیش گرفتند و ظرفیتی برای خلفای پس از خویش ایجاد کردند که آن‌ها با هزینه‌ای کمتر زنان را از حقوق خویش محروم و شخصیت آنان را مورد تعرض قرار دهند.

۱) گذر از گفتمان انسانی به گفتمان جنسی

همان گونه که اشاره شد از جمله اولین تلاش‌های پیامبر این بود که گفتمان انسان بودن زنان را در جامعه پسا بعثت نهادینه کند و لذا به مبارزه با تعریف هویت و شخصیت انسان‌ها معطوف به قومیت و جنسیت و نژاد پرداخت و با طرح کرامت عمومی «... لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء/ ۷۰)

گفتمان انسانی را تولید و بر عنصر تقوا یعنی خود‌مدیریتی یا مدیریت خویش تأکید و زن و مرد را توانمند برای این گفتمان دانست.

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در دوران امویان رخ می‌دهد دگرذیسی این گفتمان به گفتمان جنسیت محور بود. برخی نویسندگان با اشاره به این تغییر رویکرد نوشته‌اند: یزید بن معاویه گشاینده دوران جنسیت محور و مرحله‌ای از سوءاستفاده افراطی و زیاده‌خواهی لهویات و کاخ‌ها، بهره‌بردن از کنیزکان و غلامانی بود که پیامد فتوحات اسلامی بودند. (انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۱)

نگاه جنسی و شهوانی به زنان را در دوران امویان می‌توان در گفتگوهای حجاج با برخی یاراناش من جمله ابن القُرَّیبه دید. در تصویر موردنظر حجاج از زن کامل (عبد ربه اندلسی، ۱۴۰۵: ۵۴) و زن خوب و هم‌چنین تصویر عبدالملک از زن نه از اجتماعی بودن زن سخنی در میان است و نه از فضیلت‌هایی همچون علم‌آموزی و فهم و اخلاق انسانی خبری است، بلکه زن خوب زنی گره‌خورده به جسم و جسد است. (مسعودی، ۱/ ۴۱۴، ۳/ ۱۹۳)

این رویکرد به زنان را به صورت افراطی در عصر کسی مثل هشام بن عبدالملک می‌توان دید آن‌گاه که در اشاره به زیاده‌روی‌اش در بهره‌گیری جنسی از زنان می‌گوید: اتیت النساء حتی ما ابالی اتیت امراه ام حائطا. (عثمان، ۱۹۷۶: ۸۷؛ انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۴)

۲) نگاه شیء گونه به زن

همان گونه که اشاره شد در جامعه پیرامون پیامبر و جوامع دورتر نگاه شیء گونه‌گی به زنان نگاهی مطرح بود که پیامبر تلاش کرد تا این نگاه را اصلاح کند و زن را شخصی به تمام‌معنا همسان مردان بداند، اما در عصر امویان که زنان ابزاری برای ارضاء شهوت حاکمان. (عثمان، ۱۹۷۶: ۸۷؛ انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۴) و طبقه مرفه دانسته می‌شوند به صورت تدریجی تبدیل به شیء جنسی شده و از هویت انسانی دور می‌شوند. این نگاه تا بدان جا عمق پیدا می‌کند که پاره‌ای از نویسندگان معتقدند در دوره امویان به‌ویژه پس از استقرار یزید بر کرسی خلافت زنان تنها اجساد دانسته می‌شدند که برای ارضا مردان خلق شده‌اند. (همان: ۳۸۱)

این نگاه با شیوه‌های خاصی در این برهه تاریخی آغاز شد که در دوره‌های بعدی به‌خوبی نهادینه شد و زنان به حاشیه رانده‌شده و به تعبیر برخی نویسندگان زنان تبدیل به ادوات و اشیاء شدند. (فرج؛ ۲۰۱۵: ۱۰۲) از جمله این راه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱) تغلیظ نگاه شهوانی به رابطه زن و مرد

آموزه‌های دینی بر آن بودند تا بتوانند با زمینه‌سازی حضور زنان در جامعه نگاه و ارتباط زن و مرد را تعاملی انسانی بخوانند و تلاش بکنند چنین رابطه‌ای را ایجاد کنند اما در دوره امویان به‌جای تداوم این نگاه و ترویج آن تلاش شد تا هرگونه ارتباط را منشأ شک و تردید قرار بدهند. عبدالملک به نقل ابی شبیه نگاهش به زن در یکی از این سه کارکرد خلاصه می‌شد: کام‌جویی، تولید نسل و خدمتکاری. عبدالملک می‌گفت: من أراد أن يتخذ جاريةً للتلذذ فليتخذها بربريةً و من أراد أن يتخذها للولد فليتخذها فارسيةً و من أراد أن يتخذها للخدمة فليتخذها روميةً. اگر کسی کنیز برای کام‌جویی و لذت می‌خواهد بربری گزینش کند، اگر کنیز برای فرزند آوری می‌خواهد ایرانی انتخاب کند و اگر برای خدمت و کارهای خدماتی می‌خواهد رومی برگزیند. (سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۹۰)

امویان در بازه زمانی حکومت خویش تلاش کردند تا نشان دهند زنان کارکردی جنسی و شهوانی دارند و با تغلیظ این نگاه حساسیت عمومی برای حضور زنان را در جامعه افزایش داده تا بتوانند مانع از این نوع حضور شوند؛ به همین جهت زنان از این عصر به بعد کم‌کم با تمسک مردان و حاکمان به آیاتی همچون آیات حجاب و آیاتی که زنان را به بیتوته در خانه دعوت می‌کنند از حضور زنان در جامعه پیرامونی جلوگیری کردند

۲-۲) مشغول کردن زنان به موسیقی و غنا^۱

یکی دیگر از شیوه‌های بهره‌گرفته‌شده در دوران امویان برای ترویج نگاه شیء‌گونی به زنان، تبدیل ایشان به ابزار خوش‌گذرانی و سرگرمی‌های غیراخلاقی بود. در دوران امویان موسیقی، غناء و آوازخوانی زنانی چون: عزه‌المیلاء (اصفهانی، ۲۰۰۸: ۸ / ۱۶۸)، جمیله (همان: ۸ / ۲۱۸)، سلامه‌القس (همان: ۸ / ۲۴۰) و . . . چنان پررونق بود که گاه برخی از خلفا (همان: ۲۲ / ۱۰۱-۱۰۲) و درباریان عیاش و طبقات مرفه جامعه حاضر می‌شدند هزاران درهم و دینار برای خرید یک زن آوازخوان هزینه کنند. (کیال، ۱۴۰۱: ۹۳)

ابوالفرج اصفهانی در جای‌جای کتابش به آوازاها و آوازخوانان زن و مرد پرداخته و از حضور فراوان آن‌ها در مکه و مدینه می‌گوید که در دوره امویان به برگزاری مجالس و محافل بسیاری اقدام می‌کرده‌اند. (اصفهانی، ۲۰۰۸: ۱ / ۱۰۵-۲۳۷)

^۱ قابل یادآوری است که در این نوشتار قصد داوری و ارزش‌گذاری در مورد موسیقی و غنا در اسلام و شریعت اسلامی نیست بلکه استفاده غیر اخلاقی از زنان هنرمند به قصد کاستن از شان زن مورد گفتگو است.

حاکمان اموی پس از فترت طولانی به حاشیه رفتن زنان آوازه‌خوان که پسا بعثت اتفاق افتاده بود (ذاکر جعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۷) برای به متن آوردن این زنان و فرهنگ‌سازی در توسعه و گرایش بیشتر به موسیقی و آوازخوانی علاوه بر آن زمینه‌سازی با هدایایی به تقدیر و تشویق بیشتر ایشان می‌پرداختند (اصفهانی، ۲۰۰۸: ۲/ ۲۸۳) گاه خود قطعاتی را می‌نواختند و به نام خود نیز ثبت می‌کردند تا دیگران هم بیشتر به این حرکت توجه نشان دهند. (همان: ۲۰۴/ ۹)

ایجاد این سرگرمی که مردان در آن بیش از زنان بهره‌های جنسی و شهوانی می‌برند عملاً زنان را به جهت کاستنشان و منزلت ایشان به قربانیانی در خدمت حاکمیت تبدیل کرده هرچند به‌ظاهر حضوری عمومی و اجتماعی به دست آورده‌اند. برخی این وضعیت را عامل مهم اجتماعی دانسته‌اند که فقیهی مثل ابوحنیفه را بر آن دارد تا به حرمت آوازخواندن و موسیقی فتوی دهد و بگوید: آواز خواندن و موسیقی حرام است، چه زنان گوش دهند و از فرمان شوهر سر می‌پیچند و وسوسه سربلند می‌کند. (فلور، ۲۰۱۰: ۱۶۵)

۲-۳) محدودیت در ارتباط بین زنان و مردان

یکی از طبیعی‌ترین راه‌های رشد زنان و مردان امکان ارتباط اجتماعی ایشان با یکدیگر البته با ملاحظه جنبه‌های انسانی و اخلاقی این روابط است. پاره‌ای از خلفای اموی در همان حالی که نگاه کاملاً جنسی زده به زنان داشته‌اند تلاش می‌کردند تا هرگونه ارتباط اجتماعی و اختلاط زن و مرد - حتی با لحاظ جنبه‌های انسانی و اخلاقی این رابطه - را ممنوع کنند.

دیوارکشی بین زنان و مردان را اولین بار سلیمان بن عبدالملک پایه‌گذاری کرد. وی در یک پاک‌سازی جدی و همه‌جانبه هم در ساختار حکومت و هم در رفتارها و شیوه‌های حکومت‌داری پس از ولید، از جمله عزل بسیاری از گماشتگان ولید و حجاج و دستور به احیاء بسیاری از فرایض و آداب دینی مهجور در دوران پیش از خود، بر ممنوعیت اختلاط زنان و مردان حکم داد و مظاهری که این ارتباط و اختلاط را ایجاد می‌کردند را ممنوع کرد. سیوطی از عبدالملک می‌نویسد که درحالی که قرآن در دامنش بود و بیعت می‌گرفت بر زنان سخت‌گیری می‌کرد و برای ایشان محدودیت درست می‌کرد در ساحت‌های که پیش‌ازین زنان آنجا فعال بودند. (سیوطی؛ ۱۳۷۱: ۲۱۷) وی در این جداسازی تا بدان جا پیش رفت که به فرماندار مکه دستور داد در هنگامه طواف بین زن و مرد فاصله‌گذاری کند. (بیهم، ۱۹۸)

در این رویکرد حکومتی ساحت موسیقی و آواز نیز که عرصه رها در ادوار پیشین بود توسط سلیمان مورد تعرض قرار گرفت و وی پس از اتفاقی که در شباهنگام برایش رخ داد و صدای غناء از میان لشکریانش به گوشش رسید دستور به بررسی خاستگاه و ریشه آن داد و سرمنشأ آن را در مدینه یافت. سلیمان به فرماندارش ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم می نویسد همه آوازخوانان^۱ و مخنثان را پیدا کرده و از مدینه بیرونشان کند. (ابن کثیر؛ ۱۴۱۹: ۹/ ۲۰۱-۲۰۲)

شعرخوانی و غناء که شاید تنها ساحت باقی مانده^۲ مظاهر بروز و ظهور اجتماعی زنان و اختلاط ایشان با مردان در دوران امویان پیش از سلیمان بود؛ با حکم وی به ممنوعیت آن - هرچند موقت بود و پس از مرگ وی دوباره رونق می گیرد- این تنها دریچه باقی مانده نیز بسته شد. (البرکات، ۴۳۱) مبارزه وی با موسیقی و غناء البته در تاریخ بازتاب بسیاری یافته و مواردی چند از برخورد وی با اهالی غناء چه در غالب نفی بلد و چه تازیانه زدن در کتب تاریخی گزارش شده که نشان از وضعیت آوازخوانان که بسیاری از ایشان نیز زن بودند دارد. (الجمعی، بی تا: ۲/ ۶۵۵) این مبارزه نه برای سالم سازی حضور اجتماعی زنان که برای هر چه محدودتر شدن ایشان در ساحت های عمومی انجام شد.

۴-۲) پرده افکنی از جسم زن در شعر اموی

دستگاه اموی با تشویق و ترغیب شاعران و آوازه خوانان، به آنان این جرئت را می دادند که در تصویرگری زنان گاه زنی مشخص و دیگر گاه زنانی چند (العقاد، ۱۹۶۴: ۳۷) از هیچ امری دریغ نکنند. این رویکرد ساحت دیگری از نگاه شیء گونگی به زنان در عصر امویان است. شاعران آن دوره از زن به عنوان عنصری مادی و جذاب هم برای شهرت خویش و شعر خویش و هم به قصد دریافت هدایا و جایگاه اجتماعی در اشعار خویش بهره برده و در توصیف جسد و اندام زن با یکدیگر به رقابت می پرداختند. (انصاری، ۲۰۰۱: ۳۸۶)

یکی از نویسندگان با اشاره به زن در شعر عمر بن ابی ربیع^۳ که از شاعران صاحب نام اموی است می گوید: زن کم کم داشت از شعر عربی که ره آورد جاهلی بود به حاشیه می رفت اما توسط کسانی مثل ربیع^۴ مجدداً به میدان برمی گردد. (باجابر، ۲۰۲۰: ۲) وی آنگاه با اشاره به اشعار شاعرانی چون ربیع^۵ که از تصویرسازی جسد زن دریغ نداشته اند می نویسد: تصویرسازی اینان از جسم زن و صرفاً مادی است. (باجابر، ۲۰۲۰: ۳)

۱. جرجی زیدان در کتاب الحجاج بن یوسف ثقفی به این آواز خوانان و...پرداخته و در ذکر احوالات غزه المیلا خواننده خوش صدای مدینه می نویسد: در مدینه جماعت فراوانی از مخنثان بودند که مختلط با زنان بوده و غناء را بسیار دوست داشتند. ص ۱۷.
۲. برای آشنایی بیشتر با این شاعر مراجعه کنید به: شادی عبود، موسوعه العاشقون، ج ۱، دار کتابنا للنشر.

اباحه‌گری و تهتک زن را برخی یکی از ویژگی‌های پاره‌ای از شاعران این دوره دانسته و می‌گویند: ابی ربیعہ رأس هرم حرکتی است که به هتک زنان در شعر می‌پردازد. (الحسین، ۲۰۱۵: ۱۸۰)، وی با اشاره به تغییر ماهیت غزل از عفاف به بداخلاقی و بی‌عفتی در این دوره می‌نویسد: غزل در این دوره به عفت و بداخلاقی مبتلا شد و به همین جهت هم هست که این عصر را عصر جاهلی می‌نامند. (الحسین، ۲۰۱۵: ۱۷۲)

۳) فربه کردن برخی ظرفیت‌های زنان و نادیده‌انگاری ظرفیت‌های دیگر

برای حضور زنان در جامعه گاه می‌توان یکی از ظرفیت‌های ایشان را برجسته کرد و بر آن انگشت نهاد تا در سایه آن دیگر ظرفیت‌ها و توانمندی ایشان را نادیده انگاشت و جامعه زنان را از پیگیری آن‌ها غافل کرد. در بسیاری از ادوار تاریخی گاه از طرف حکومت‌ها و دیگر گاه از طرف برخی نخبگان در خدمت حاکمیت تلاش شده تا آفرینندگی زنان و پس از آن مادری ایشان تبدیل به ظرفیت اصلی گردد و زنان در سایه این توانمندی به حاشیه رانده‌شده و از حضور در ساحت‌های عمومی و علمی محروم شوند.

امویان نقش زنان را به خانه و خانه‌داری محدود کرده و حضور آنان را در ساحت‌های عمومی از این طریق کاهش دادند. (ذاکر جعفری، ۱۳۹۷: ۲۲۱) این رویکرد البته تنها در خلافت امویان نبوده ولی مورد غفلت ایشان هم قرار نداشته است و لذا آن‌گاه که از برخی از خلفای اموی در مورد زن مطلوب پرسیده می‌شود فرزندآوری و خانه‌داری مورد تأکید قرار می‌گیرد تا در سایه این پرده‌نشین کردن زنان از حضور ایشان در ساحت‌هایی که مورد تمایل و رضایت آن‌ها نبود همانند: ساحت معرفت و دانش، نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی و... جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

سوال اصلی این مقاله، عبارت از آغاز تغییرات در حقوق و جایگاه زنان پساپیامبر و چگونگی آن بود که در مجموع و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مشخص شد آغاز این تغییر به عصر امویان بر می‌گردد. در جمع‌بندی پاسخ به پرسش اصلی این مقاله، می‌توان نتایج زیر را از ره‌آوردهای این مقاله دانست:

۱. در خلافت امویان باتوجه به بحران معرفتی و فکری حاکمان که محصول انقطاع معرفت‌شناختی آنان از ره‌آورد پیامبر بود، گام‌های مهمی برای به حاشیه راندن زنان از ساحت‌های معرفتی و علمی برداشته شد.

۲. امویان با دعوت زنان به ساحت‌های لغزنده و غیراخلاقی و تشویق و ترغیب ایشان به حضور در عرصه‌هایی چون آواز، موسیقی، رقص و عشوه‌گری، فرهنگ توجه به جسم زن را برجسته کردند تا دیگر توانایی‌های ایشان و ظرفیت‌هایشان در جامعه دیده نشوند و زنانی که خواهان فعالیت‌های سالم و اخلاقی بودند اجازه و فرصت حضور را از دست بدهند.

کتابنامه

قرآن کریم

کتاب فارسی

- احمد، لیلا (۱۳۹۴)، **زنان و جنسیت در اسلام**، ترجمه فاطمه صادقی، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
- بارتلمیه، کریستین (۱۳۴۴)، **زن در حقوق ساسانی**، ترجمه و ملحقات با مقدمه‌ای در تیپ‌شناسی حقوقی و روان‌شناسی جنسی ایران ساسانی از ناصرالدین صاحب‌الزمانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات عطایی.
- جارویس، هلن، پاولا کانتور و جاناتان کلاک (۱۳۹۷)، **شهر و جنسیت**، ترجمه محمود شارع‌پور، چاپ نخست، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، **زن در آینه جلال و جمال**، قم: نشر اسراء.
- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۵)، **زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان ساسانیان)**، چاپ اول، تهران: قصیده‌سرا.
- ذاکر جعفری، نرگس، (۱۳۹۷)، «نقش کنیزان رامشگر در موسیقی قرون اولیه اسلامی (دوره اموی و عصر اول عباسی)»، **مجله زن در فرهنگ و هنر**، دوره ۱۰، ش ۲.
- سجادی؛ سید صادق و هادی عالم زاده (۱۳۷۵)، **تاریخ‌نگاری در اسلام**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- علیجانی، رضا (۱۳۸۹)، **زن در آیین مسیحیت**، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- (۱۳۸۹)، **زن در آیین یهود**، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- فلور، ویلم (۲۰۱۰)، **تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران**، ترجمه: محسن مینوخرد، چاپ اول، استکهلم:
- انتشارات فردوسی.
- مورن، ادگار (۱۳۸۴)، **هویت انسانی**، ترجمه: امیرنیک پی و فائزه محمدی، چاپ سوم، تهران: قصیده‌سرا.
- مهریزی، مهدی، (۱۳۸۲)، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۱۳۹۳)، **قرآن و مساله زن**، چاپ اول، تهران: نشر علم.

نوری، سید محمدعلی، (۱۳۹۶)، «روش‌شناسی تاریخی محمد آرگون»، فصلنامه علمی - پژوهشی

تاریخ اسلام، ش ۲.

کتب عربی

ابن شعبه خَرّانی، حسن بن علی (۱۳۶۲)، **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**، به تصحیح: علی اکبر غفاری، قم.

ابن عاشور التونسی، محمد الطاهر، (۱۹۸۴)، **التحریر والتنویر**، تونس: الدار التونسية للنشر.

ابن قرناس (۲۰۰۸)، **سنّه الاولین (تحلیل مواقف الناس من الدین و تعلیلها)**، عراق: منشورات جمل.

ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل بن کثیر (۱۴۱۹)، **البدایه و النهایه**، چاپ اول، بیروت: هجر.

ابوبکر، امیمه (۲۰۱۲)، **النسویه و الدراسات الدینیّه**، ترجمه: رنده ابوبکر، چاپ اول، مصر: مؤسسه المره و الذاکره.

ابوشقه، عبدالحلیم (۱۴۲۲)، **تحریر المره فی عصر الرساله**، چاپ ششم، کویت: دارالقلم.

اجاییف، احمد (۲۰۱۲)، **حقوق المره فی الاسلام**، ترجمه: سلیم قبعین، مصر: مؤسسه هنداوی.

اصفهانی، ابوالفرج (۲۰۰۸)، **الاغانی**، تحقیق: احسان عباس، ابراهیم السعافین، بکر عباس، بیروت: دار صادر.

الانصاری، فاضل (۲۰۰۱)، **العبودیه (الرق و المره بین الاسلام الرسولی و الاسلام**

التاریخی)، چاپ اول، الاهالی: سوره.

باجابر، نویر سعید (۲۰۲۰)، «صوره المره فی شعر عمر بن ابی ربیع»، **مجله آفاق للعلوم**، دوره ۵، ش

۳.

البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله (۱۴۰۷)، **الجامع الصحیح المختصر**، چاپ دوم،

بیروت: دار ابن کثیر.

البرکات، صالح بن عبدالله، «الخلیفه سلیمان بن عبدالله (مفتاح خیر)»، **مجله الجامعه الاسلامیه**، ش

۱۶۲.

بنت الحسین، آمال قرداش (۱۴۲۰)، **دور المره فی خدمه الحدیث فی القرون الثلاثه الاولى**،

چاپ اول، قطر: وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.

الجمعی، محمد بن سلام (بی تا)، **طبقات فحول الشعر**، جده: دارالمدنی.

جمعه، احمد خلیل (۱۴۲۱)، **نساء من عصر النبوه**، چاپ دوم، بیروت: دارکثیر.

- (١٤٢٤)، **بیعت النساء فی القرآن و السیره**، چاپ اول، بیروت: الیمامه.
- حسان، محمد (١٤٣٤)، **نساء فی زمن النبوه**، چاپ اول، قاهره: مکتبه فیاض.
- حسن، حسن ابراهیم (١٤١٦)، **تاریخ الاسلام (السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی)**، بیروت، دارالجیل.
- الحسین، شمس و فرهادالله (٢٠١٥)، «تطور الفن الغزل بین العفاف و المجون فی العصر الاموی»، **مجله تهذیب الافکار**، دوره ٢، ش ٢.
- حقی، اسماعیل (١٤٠٥)، **روح البیان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حنبل، احمد (١٤٢٠)، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الأرنؤوط و آخرون، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- السروجی، بهیجه محمدعلی (٢٠١٦)، **التطور التاريخی لدور المراه فی العصر العباسی**، بیروت.
- سلیم، محمد ابراهیم (٢٠٠٨): **نساء حول النبی**، قاهره: مکتبه ابن سینا.
- السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (١٣٧١)، **تاریخ الخلفاء**، چاپ اول، مصر: مطبعة السعادة.
- عبد ربه الاندلسی، احمد بن محمد (١٤٠٥)، **طبائع النساء (و ما جاء فیها من عجائب و غرائب و اخبار و اسرار)**، تحقیق: محمد ابراهیم سلیم، قاهره: مکتبه القرآن.
- عبد الحکیم، منصور (١٤٢٠)، **بنات الصحابه**، قاهره: المکتبه التوفیقیه.
- (٢٠١٢)، **الحجاج بن یوسف الثقفی طاغیه بنی امیه فی المیزان**، چاپ دوم، دمشق: دارالکتاب العربی.
- عبود، شادی (٢٠٠٦)، **موسوعه العاشقون**، بی جا: دار کتابنا للنشر.
- عثمان، علی (١٩٧٦)، **المراه العربیه عبر التاريخ**، چاپ دوم، بیروت: دارالتضامن.
- العش، یوسف (١٤٠٦)، **الدوله الامویه (و الاحداث التي سبقتها و مهدت لها ابتدا من فتنه عثمان)**، چاپ دوم، دمشق: دارالفکر.
- الطار، عبدالناصر توفیق (٢٠١١)، **تعدد الزوجات فی الشریعه الاسلامیه**، قاهره: مکتبه الازهریه للتراث.
- العطاوی، احمد یعقوب (١٤١٢)، **المراه الداعیه فی عهد النبوی الشریف و العصر الحاضر (دراسه مقارنه)**، المملكة السعودیه: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.

عفيى، عبدالله (١٩٣٣)، **المراه العربيه فى جاهليتها و اسلاميتها**، چاپ دوم، مملكه عربيه سعوديه: مكتبه الثقافه.

العقاد، عباس محمود (١٩٦٤)، **شاعر الغزل (عمر بن ابى ربيعه)**، مصر: دارالمعارف.
 العلوانى، رقيه طه جابر (٢٠٠٦)، **دورالمراه المسلمه فى التنميه (دراسه عبرالمسار التاريخى)**،
 بى جا: بى نا.

العلوى، هادى (١٩٩٦)، **فصول عن المراه**، چاپ اول، بيروت: دارالكنوز الادبيه.
 على، جواد (١٤١٣)، **المفصل فى تاريخ العرب قبل الاسلام**، چاپ دوم، بغداد: جامعه بغداد.
 عينى، بدرالدين محمود بن احمد (١٤٢١)، **عمده القارى شرح البخارى**، بيروت: دار الكتب العلميه.
 فرج، ريتا (٢٠١٥)، **امراه الفقهاء و امراه الحدائنه (خطاب اللامساواه فى المدوننه الفقهييه)**،
 تونس: دارالتنوير.

كراجكى، محمد بن على (١٤٠٥)، **كنزالفوائد**، بيروت: دارالاضواء.
 كيال، باسمه (١٤٠١)، **تطور المراه عبر التاريخ**، بيروت: مؤسسسه عزالدين.
 ماكارى، خالد عبدالسلام محمد (٢٠٠٦)، **مكانه المراه فى الاسلام و دورها فى النشر السنه
 النبويه المطهره**، جامعه ابراهيم الاسلاميه الحكوميه مالانج.

مسعودى، ابى الحسن بن على (١٤٢٥)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، چاپ اول، بيروت: المكتبه
 العصريه.

النبرواى، خديجه (٢٠٠٤)، **المراه فى الاسلام حريه ام عبوديه**، قاهره: شركه سولز للنشر.
 نصيف، فاطمه عمر (١٤٣١)، **حقوق المراه و واجباتها فى ضوء الكتاب و السنه**، بى جا: بى نا.